

فکر نو

ماهنامه

۲



دینی، فرهنگی، ادبی، اجتماعی و سیاسی

شماره دوم

میزان ۱۳۹۲

اکتوبر ۲۰۱۳

سخن نخست

انسان و حیوان توسط برخی از اعضای وجود خود قادر اند تا تغییرات محیط اطراف خود را متوجه شوند و سپس تصمیم لازم را در مورد آن بگیرند رسانه ها نیز نقشی را در وجود دولت ایفا می کند که اعضای فعال بدن در بدن. البته این امر زمانی میسر و درست می گردد که از یک سو دارنده گان نیرو و دولت با قانون گرایی و قانون گذاری به رسانه های گوناگون و نقش آنان در جامعه بنگرند و به ویژه، رسانه های گروهی را نه به مثابه «دشمنان بالقوه» یا بلندگوی تبلیغاتی نظام حکومتی بلکه به عنوان رکنی اساسی در کنار قوای مقننه، مجریه و قضاییه باور کنند و به رسمیت بشناسند.

از سوی دیگر اما صاحبان جراید و اهل قلم نیز باید به رسالت فرهنگی و مسوولیت خود در اطلاع رسانی درست و تقویت حس همبستگی ملی و همزیستی مسالمت آمیز آگاه باشند. از دروغ پردازی و از همه مهمتر از تبلیغ خشونت آمیز، بپرهیزند و با کمال دقت و اطمینان، همان گونه که نواقص و کاستی های دولت و مردم را انعکاس می دهند، از کارکردها و فعالیت های مفید ایشان نیز چشم پوشی نکنند.

گفتنی است که در کشور عزیز مان افغانستان، کم و بیش ده سال قبل، کسانی را از ارباب جراید و رسانه ها سراغ داریم که به خاطر اطلاع رسانی و یا پخش واقعیت های پیش آمده، شکنجه و درد سرهای را متحمل شده یا زندانی گردیدند و یا دست کم تهدید و سرزنش لفظی شده اند و این رفتارها نشان می داد که «آزادی بیان از تعرض مصون است»، خواب و خیالی بیش نیست و در آن روزگار یک امر ناشدنی بوده و مفهومی نداشت.

سپس با روی کار آمدن دولت جمهوری اسلامی افغانستان و با تصویب قوانین، به ویژه قانون رسانه های همگانی که: «حمایت و تضمین حق آزادی فکر و بیان، حمایت از حقوق ژورنالیستان و تأمین شرایط فعالیت آزاد رسانه ها، فراهم نمودن زمینه های مناسب برای اظهار فکر و احساس اتباع کشور و انعکاس حقایق به طور عادلانه توسط گفتار، نوشته، رسم تصویر، ثبت روی نوار، تمثیل، حرکت و سایر پدیده های علمی، ادبی، هنری و طبع و نشر» را اهداف و انگیزه اساسی خود قلمداد کرد، کم کم رسانه ها و مطبوعات نفس تازه کشیدند. وارد میدان واقعی رسانه یی شده که امروز در سراسر میهن عزیز مان شاهد تحولات کلانی در دنیای رسانه ها و مطبوعات می باشیم. اگرچه بازتاب رسانه ها در غور، چنانکه باید، چشم گیر و رضایت بخش نبوده به گونه مثال: به علت نبودن چاپ خانه و مطبوعه در این ولایت و محدود بودن ساحت دسترسی، نشر و پخش روزنامه ها و هفته نامه ها، ممکن نیست. و نیز بیشتر از یک رسانه صوتی و یک رسانه تصویری در فیروزکوه، فعالیت ندارد. با آن هم کارهای که در زمینه رسانه های چاپی - بیشتر ماهنامه ها - در این ولایت توسط جوانان و فرهنگیان انجام شده، نسبت به سال های قبل، چشم گیر بوده و فعالیت های خوبی در زمینه اجرا کرده اند.

درین فرجام ها، تعدادی از جوانان و فرهنگیان غور، بر آن شدند تا با استفاده مناسب از زمان به دست آمده و با تکیه به پشتیبانی ها و حمایت های قانون، دست به نشر و تولید یک رسانه چاپی - ماهنامه - زده تا از این رهگذر، پاره یی از حقایق که همه روزه رخ می دهد را پخش نمایند و جهت انتشار و گسترش گوشه یی از فرهنگ استوار این مرزوبوم، حمایت از کارها و فعالیت های قانونی دولت، نقد کردن و انگشت گذاشتن روی جریانات منفی، گسترش سوجه های آموزشی و ادبی و مانند این ها، بی آرایش و پاکدلانه کوشش و تلاش کنند.

این نشریه به گونه ماهوار به چاپ می رسد و نامش «فکر نو» است. ما نام آن را به خاطر این «فکر نو» گذاشتیم تا انگیزه یی باشد جهت گسترش مطالب نو، افکار نو، طرز دید نو و انتشار رخدادهای به سبک و شیوه نو.



افق شرق، با پروازهای نامطمین و کرایه گزاف!

محمد نصیر توکلی

افق شرق، یکی از شرکت های هوایی در افغانستان است که از مدت ... به این طرف با یک فروند هواپیمای کهنه و نا مطمین فعالیت خویش را در ولایت غور آغاز نموده و در جریان هفته دو روز در مسیر کابل-غور و هرات - غور، پرواز می کند. این شرکت هوایی، در نخستین روزهای کار خود در فیروزکوه، از هر مسافر، از کابل تا غور مبلغ ۵۵۰۰ افغانی قیمت تکت می گرفت، ازینکه ازدحام مردم چشم گیر به نظر می رسید این شرکت هوایی، قیمت تکت کابل-غور را از ۵۵۰۰ افغانی به بیش از ۵۹۰۰ افغانی بلند برد. به خاطر این که شرکت دیگری که با افق شرق رقابت کند و در مسیر کابل-غور فعالیت نماید، وجود نداشت و مردم هم از روی مجبوری، بی امنیتی و دشوار گذار بودن راه های این مسیر، هزینه بلند و تحمیلی این شرکت را پذیرفتند و دیری نگذشت که نرخ تکت های این شرکت در مسیر یاد شده، به ۶۱۰۰ افغانی بلند رفت.

هرچند، مردم غور می دانستند که بارها در موارد مشابه سر و صدا نموده و از حقوق مسلم خود دست به دفاع زنده اند ولی هیچ کس - مخصوصاً دولت مرکزی - صدای آنها را نشنیده و نهایت بی مهری مقامات و مسوولین نسبت به این مردم ابراز گردیده، ناگزیر این هزینه را هم متقبل شده و مسافرت با افق شرق را پذیرفتنی شدند، ولی با تأسف و درد فراوان باید خاطر نشان ساخت که هزینه های تکت شرکت هوایی افق شرق، هنوز سیر تکاملی خویش را به پایان نرسانده و امکان اینکه بیشتر از اینها بالا برود، صد در صد می رود که اکنون قیمت تکت کابل - غور به ۶۷۹۳ افغانی و به قولی ۶۹۰۰ افغانی صعود کرده است.

حدود یک سال پیش بنا بر شکایت و سر و صداهای شهروندان افغان، نسبت بلند بودن هزینه تکت های شرکت هوایی پاکستان (PIA)، وزارت ترانسپورت و هوانوردی، هشدار داد که: «هر شرکت خارجی یا داخلی که از قانون و مقررات هوانوردی افغانستان سرپیچی کند در قدم اول برایش اخطار و جریمه داده می شود و اگر اصلاح نشد در گام نهایی تمام پرواز های آن در افغانستان متوقف خواهد شد» و قول داد که هیأتی را برای بررسی تمام پروازهای شرکت های خصوصی داخلی و خارجی و قیمت تکت های آنها تعیین و توظیف می کند.

ادامه مطلب صفحه ۳ ...

جدایی دین از سیاست

نور محمد نور

می خواهم توجه خواننده عزیز را به یک نقطه جلب کنم که غربی ها خاطرات بسیار دردناکی از حکام کلیسا در قرون وسطا و دوران محاکم «تفتیش عقاید» دارند، و این مسأله باعث آن شده است که برای همیشه دین را از سیاست جدا کنند.

با در نظر داشت شرایط کنونی اگر به گفته های غربیان و غرب گرایان نظر اندازیم به خوبی مشاهده خواهیم کرد که موضوع، در ظاهر چیزی دیگر و هدف باطنی آن چیزی دیگری است. طوری که خود آنان (غربیان) اشاره می کنند هدف شان اصلاح جامعه و نشان دادن دین به مفهوم اصلی آن است ولی اگر عمیق تر نگریم و جستجویی در این مورد داشته باشیم به خوبی می توانیم درک کنیم که زیر کاسه، نیم کاسه بی موجود است و آنان با به کار بردن واژه های فوق (اصلاح جامعه و مفهوم اصلی دین) می خواهند مسلمانان این عصر را از دین به دور نگاه کنند.

پس رسالت داریم تا داشته های خود را در شرایط کنونی به مرحله اجرا و استفاده قرار دهیم و نگذاریم هدف شوم شان بالای ما و جامعه ما و حتی کشورهای اسلامی تحمیل شود.

به خاطر اینکه رهبر کلیسا در قرون وسطا بر تمام شوون زندگی مردم اعم از سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یک تعداد کشورها مسلط شدند و پاپ ها با قدرت تمام در آن کشورها حکومت می کردند. کلیسا در دوران حاکمیت خویش، عرصه را چنان بر مردم به خصوص اهل علم و فرهنگ تنگ ساخت، که حتی جرأت اظهار نظر در برابر این حاکمیت را از دست دادند. کلیسا نه تنها خود را شارع و مفسر به فرد کتاب مقدس دانسته، حتی به کسی اجازه نمی داد که در سایر علوم بشری ابراز نظر نماید. ارباب کلیسا همه پیشرفت های بشری را جاهلانه و مخالف کتاب مقدس قلمداد نموده و بدین ترتیب تضاد را بین علم و دین، برقرار کرد. در سال های قبل شورای کلیسای پاریس حتی خواندن کتاب ارسطو را که در باره فلسفه طبیعی تحریر داشته بود، ممنوع اعلام و خواننده آنرا به نام مرتد، ملحد و مُشکر مجازات می کرد. این ممانعت ها به حدی رسید که نماینده پاپ در دانشگاه پاریس مضامینی که در آن از مسایل فلسفی، متافزیک و فلسفه طبیعی بحث به عمل می آورد، ممنوع اعلام داشت. پاپ های کلیسا در برابر نهضت های علمی و در برابر ابتکارات جدید قد علم کردند و همه چیز را و همه پیشرفت ها را در ضدیت با دین معرفی داشتند و تعدادی بی شماری از دانشمندان و علمای مشهور و از جمله علمای علوم طبیعی را به پای محاکمه کشانیدند؛ بعضی ها را سر بریدند

و بعضی ها را حتا زنده در آتش سوزاندند و یا هم به زندان ابدی محکوم ساختند. شاهان و امرای وقت، به ارباب کلیسا باج می پرداختند و از اوامر و نواهی شان بدون چون و چرا اطاعت می نمودند.

ارباب کلیسا توانستند با تطبیق فتوا های دینی، صاحبان سرمایه های هنگفت گردند و زندگی مرفه را برای خود و پیروان خویش بنا نمایند.

همه این امور موجب آن شد، تا با گذشت زمان مردم بر ضد آنها شورش را به راه اندازند و زمینه را برای یک قیام سراسری مساعد سازند. در پیشاپیش و رهبری این قیام، علما، دانشمندان و شخصیت های ذینفوذ در جامعه در برابر روحانیت کلیسا موضع اتخاذ نموده و در نهایت شعار جدایی دین از سیاست را در پیش گرفتند، که با استقبال مردم از آنجمله علما و دانشمندان قرار گرفت. شعار جدایی دین از سیاست، از یکسو و تضاد علم و دین از سوی دیگر در همه جا سر داده شد، که با پیروزی این شورش، کلیسا و اربابانش را از صحنه اجتماع و حکومت عقب راندند و از امپراتوری عظیم الشان شان، صرف منطقه کوچکی به نام «واتیکان» که کمتر از یک کیلو متر مربع مساحت دارد، را در تصرف دارند. این همه تحولات بود که در آن شرایط خاص به وجود آمده بود.

طی دوران جنگ سرد، غرب از مسلمانان برای مبارزه و مقابله با کمونیسم و اتحاد شوروی سابق، با در نظر داشت این که اسلام با نظام سیاسی- اجتماعی غرب سازگار و هماهنگی نداشت، استفاده عظیمی به عمل آورد، ولی حالا غرب دیگر در فکر سقوط کمونیسم نیست، ایدیولوژی کمونیسم دیگر شکست خورده و جوهر و حقایقش را از دست داده است. بدین لحاظ لبه تیز غرب به سوی اسلام و مسلمانان و منافع اقتصادی شان در این کشور ها متوجه گشته و در فکر منزوی ساختن اسلام در کنج مسجد افتاده و شعار جدایی دین از سیاست را بلند کردند. در اینجا سوالی مطرح می گردد: دین اسلام که به عنوان تهدید مطرح شده است، این تهدید از دیدگاه یک روحانی مسیحی است که از اسلام در هراس است و یا این نظریه حکومت سیاسی است که توسط صهیونیست ها رهبری می گردد؟

به نظر من یگانه عاملی که موجب خشم سیاسیون غربی صهیونیسم در برابر اسلام گردیده است، همین است که چرا دین مقدس اسلام تا هنوز از تحریف و دستبرد مصوون مانده است و چرا مسلمانان تا هنوز به اساساتی متین کتاب الله (قرآن عظیم الشان) و سنت نبوی پایبند هستند؟ عامل ترس غرب از اسلام، ناشی از ریشه مذهبی اسلام نیست، بلکه از ریشه های سیاسی اسلام که از قوت خاص خویش برخوردار است می باشد. از جمله یکی از این ریشه ها، مفهوم «جهاد» است که از اصول اسلامی به شمار رفته و موجب وحشت غرب در طرح ریزی

سیاست خارجی خود با جهان اسلام شده است. غربی ها با طرح شعار آزادی، دموکراسی و مبارزه علیه تروریسم و بنیادگرایی، تبلیغات وسیعی را در جهان اسلام به راه انداخته اند. نقطه قابل توجه در آن است، که دین اسلام که غربی ها خواستار جدایی آن از دولت هستند، با اصول و اساسات ادیان دیگر تفاوت زمین تا آسمان را دارا می باشد. یکی از اوصاف و خصایص دین مقدس اسلام، «اقوم» بودن دین اسلام بر سایر ادیان است. خداوند پاک در قرآن عظیم الشان می فرماید: «ان هذا القران یهدی للتی هی اقوم» همانا این قرآن، بشر را به استوارترین راه هدایت می کند.

این بدان معنی است، که دین اسلام دینی است که با احکام تفصیلی و قواعد کلی، زندگی انسان را از تولد تا مرگ تنظیم می کند. هیچ چیزی در حیات انسان رخ نمی دهد، مگر این که حکم آن در اسلام موجود نباشد. و حتا یک عمل از اعمال فردی و اجتماعی انسان را بدون حکم نگذاشته است. این حکم یا در قرآن عظیم الشان است، و یا هم در احادیث نبوی بیان گردیده است.

وصف دیگر اسلام «اکمل و اتمم» بودن این دین است: طوری که خداوند پاک می فرماید: «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا» امروز دین را برای شما کامل و نعمت خویش را بر شما تمام کردم و از این که اسلام دین شما باشد، راضی شدم.

دین اسلام، دینی است که همه چیزش سیاست است. حتا اگر به عبادت این دین توجه کنیم، در واقعیت امر سیاست است. اسلام برای همه چیز و برای همه زندگی ها برنامه دارد. در احکام مقدس اسلام، امور سیاسی و اجتماعی نسبت به امور عبادی بیشتر مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است. اسلام برنامه منظم برای زندگی و حکومت داری دارد. اسلام دین سیاست و حکومت است. اسلام یک حکومت است که یک جنبه اش حکومت سیاسی و جنبه دیگرش حکومت معنوی است. اسلام یک دین عبادتی- سیاسی است که در امور سیاسی اش عبادت منظم است و در امور عبادی اش سیاست.

رسول مقبول ما حضرت محمد(ص) پایه سیاست را در دیانت گذاشته است و خود تشکیل حکومت داده است. قوانین اسلام به نیاز های انسان پاسخ داده و قوانین صریح در زمینه را دارا می باشد، اسلام دین آزادی و استقلال است، اسلام تضمین کننده دنیا و آخرت است. مشکل عمده ما مسلمانان، دوری از اسلام و قوانین واقعی اسلامی است، در غیر آن اسلام برای نجات بشر و سازندگی آمده است و نظر اسلام ساختن انسان است. در اسلام فقط یک قانون وجود دارد و آن قانون الهی است و بس. دین اسلام دینی است که در مسیر تکامل حرکت می نماید و تلاش و کوشش را تنها وسیله دستیابی به خیر و برکت و پیشرفت مادی و معنوی معرفی می کند.

دین اسلام دینی است که با دگرگونی شرایط و اوضاع و احوال و گوناگون زمان و تغییر مکان قابل انطباق است و پاسخگوی نیاز های فطری، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و به طور خلاصه پاسخگوی نیاز های مادی و معنوی بشری است. دین اسلام دینی است که دل ها را با رابطه برادری، برابری، الفت و محبت با هم نزدیک می سازد و آن را پیوند می دهد. صداقت، امانت، اتحاد، همکاری و صمیمیت را در جامعه به وجود می آورد و بخل، حسادت، کینه و بدگمانی را از درون ها می زداید. با ظالمان، جنایت کاران، منافقان و ریاکاران به مبارزه برخاسته و از نیکوکاران، مخلصان و خدمت گزاران به عنوان دوستان خدا یاد می کند. ارزش های پوچ افتخار به آبا و اجداد، ثروت و مقام، منزلت، رنگ و نژاد و همه افتخارات را از اعتبار انداخته تنها فضیلت، تقوی، ایمان و اخلاص را ملاک کرامت و شرافت قرار داده است. اسلام دین اعتدال و میانه روی است و افراط و تفریط را قبول ندارد، همانگونه که اهمال و بی بند و باری را نمی پذیرد و هیچ کسی را به چیزی که خارج از توان و قدرت او باشد، مکلف نمی نماید.

اصلاح زندگی دنیوی و اخروی بشر، هردو مورد توجه دین بوده و هست، هرچند این دو هدف در طول یکدیگر قرار دارند و با یکدیگر تعارض و مزاحمتی ندارد. دنیا گرچه مقدمه آخرت است و راه است نه مقصد، ولی بدون اصلاح راه و تحمیل مقدم نمی توان به مقصد رسید و ذی المقدمه را به دست آورد.

دین اسلام روش خاصی برای زندگی دنیوی است که مصلحت دنیوی بشر را در جهت اكمال اخروی و حیات ابدی او تأمین می کند. از این رو لازم است شریعت در بر گیرنده قوانینی باشد که به نیاز های دنیوی انسان نیز جواب گوید. بناءً به هیچ صورت نمی توان حکم جدایی دین را از سیاست صادر نمود، بلکه دین واقعی با سیاست صحیح پیوند ناگسستنی داشته و مکمل یکدیگر در به وجود آوردن جامعه عادلانه می باشد.

در آخر می خواهم فقط به یک مطلب کوتاه اشاره نمایم و آن اینکه هیچ فردی در اجتماع نمی تواند به صورت واحد و بدون روابط، زندگی نماید زیرا جامعه به اساس روابط افراد استوار است. پس آیینی که در جامعه حاکم باشد و افراد جامعه از آن پیروی کنند هیچ گاهی نمی تواند مجزا از خواسته های ایشان باشد و این که می گویند دین را با سیاست کاری نیست حرفیست پوچ و ادعاییست بی بنیاد.

اسلام در حقیقت آیین تمام عیار است و برنامه تمام شامل. پس مانمی توانیم دین اسلام را تنها با عبادت درگوشه مسجد و عبادت خانه منحصر سازیم.

استعمال مواد مخدر یعنی مرگ تدریجی

عبدالرزاق احمدی

کسانی که از امر خدا مخالفت می کنند، بترسند که مبادا به فتنه بزرگ یا عذاب درد ناک گرفتار شوند. آیه.

مشکلی بس بزرگ و مصیبتی عظیم و خانمان سوزی که امروز دامن گیر عالم بشریت بوده و جهان را در سراشیبی فساد و نابودی قرار داده است، موضوع مشروبات الکولی، مواد زهرآگین نیشه آور و مخدرات و دواهای مصنوعی است که جهت تسکین دردها و بیخوابی ها استعمال گردد. تردیدی نیست که دسته یی از مردم برای فراموشی رنج های زندگی یا خوش گذرانی، به این مواد لعنتی پناه می برند، البته جنگ های است که مشکل جسمی، روحی، اجتماعی و اقتصادی را برای جهان امروز به میان آورده است و روی هم رفته کسانی که به استعمال چنین موادی می پردازند، در حقیقت به خود کشتی تدریجی و آهسته آهسته پرداخته، خود را به دست مرگ می سپارند، کم کم به این مواد معتاد گردیده و در منجلاب بدبختی می افتند و تا آخرین فرصت های زندگی با رنج و درد حیات خویش را به آخر می رسانند و قدرت رهای و ترک مواد مخدر از آن ها سلب می گردد و نمی توانند خود را از این حلقه سرطان نجات دهند.

در جهان امروز عادت کردن به مواد مخدر و نیشه آور، نه تنها از مشکلات محلی به شمار می رود، بلکه مصیبتی است در سطح بین المللی که همه دولت های کوچک و بزرگ، در این آتش می سوزند تا جای که مرض اعتیاد به مخدرات و مسکرات به حیث یک مشکل بین المللی عرض اندام کرده است، البته اعتیاد و معتاد شدن مرض نیست که امروز توجه جهانیان را به خود کشانده است بلکه سلسله عادت به مسکرات و مخدرات از زمان های ما قبل تاریخ آغاز گردیده و سیر تکاملی خود را تا امروز می پیماید.

استعمال مواد مخدر به دماغ، ذهن، جسم و احساسات انسان اثر ناگوار و بد می گذارد و عقل او را مختل ساخته، در اسلام حرام و منفور به حساب می آید. برابر است که چرس باشد یا بنگ، افیون گفته شود یا هیرویین، تریاک فکر شود و یا تابلت های نیشه آور، که همه و همه تحت حکم خبثت قرار دارند. دین اسلام، استعمال هر چیزی را که خوردن، نوشیدن، بو کردن و از طریق دود کردن و پیچکاری برای انسان تولید ضرر نموده و انسان را به هلاکت می رساند، تحت قاعده عمومی تثبیت شده شریعت قرار می دهد؛ یعنی خود را به دست خویش به هلاکت نیندازید! و باید گفت که گرفتاری به چنگ مخدرات و مسکرات از جمله بدترین عذاب و درد ناک ترین فتنه ها به شمار می رود.

حدود ده سال پیش، در ولسوالی پسابند ولایت غور تعدادی از علما، فتوایی را بر علیه مواد مخدر صادر نموده و بر حرام بودن آن حکم کردند. یکی از آن علما به اسم «مولوی جمعه» که در مجلس فتوای علما حضور نداشته، بعداً به او گفتند که ما چنین فتوای صادر کرده ایم، نظر خودت در این زمینه چیست؟ او در جواب گفته بود: من موافقم ولی - البته با تمسخر - کسی که مواد مخدر استعمال کند، سه خوبی هم برایش دارد: ۱- پیر نمی شود. ۲- خانه اش را دزد نمی زند. ۳- سگ او را نمی گیرد. گفتند: چگونه؟ گفت: پیر نمی شود، به این معنی است که جوان می میرد. دوم: خانه اش را دزد نمی زند به این معناست که شخص معتاد، در بستر خواب خود شب تا سحر سرفه می کند و دزد اگر قصد وارد شدن در خانه را داشته باشد، فکر می کند که صاحب خانه بیدار است. سوم: سگ او را نمی گیرد، به این معنی است که شخص معتاد، به علت ضعیفی و نا توانی، مجبور است همیشه چوبی همراه خود داشته باشد، پس انسانی که چوب در دست داشته باشد، سگ او را گرفته نمی تواند.

نتیجه: بنا بر دلایل و شواهد یاد شده، نتیجه به دست می آید که استعمال مواد مخدر - از هر نوعی که باشد - هم سرمایه مادی انسان را نابود می کند و هم سرمایه معنوی انسان که همانا تمام نعمت های خدادادی است، از او می گیرد. و سبب بربادی دنیا و آخرت او می گردد.

...ادامه افق شرق:

ولی اینکه تا چه حد این گفته ها و کارها، شدنی بود و جامعه عمل پوشید، چندان بر ملا نیست. زیرا اکنون شرکت هوایی صافی، یک مسافر را از کابل تا دبی به مبلغ ۶۶۰۰ افغانی انتقال می دهد، در حالی که شرکت افق شرق از یک مسافر کابل-غور مبلغ ۶۹۰۰ افغانی می گیرد که به هیچ وجه نمایانگر بررسی و تنظیم امور هوایی و تعیین نرخ تکت پروازها، توسط وزارت ترانسپورت و هوانوردی را نشان نمی دهد.

همان گونه که حکومت مرکزی در بیش از ده سال گذشته، ولایت غور را در قسمت تمام امور بازسازی، پروژه های زیر بنای، معارف و ... به دیده حقارت نگاه کرده، در قسمت ترانسپورت و حمل و نقل نیز باید به همان نظر دیده شوند و عموم ملت غور - در تمام عرصه ها - باید بار کسانی را بکشند که به خاطر سود شخصی خویش، حرکات بیجا یا ناپجا انجام می دهند!

این در حالی است که چند سال قبل - هنگام آغاز فعالیت های شرکت هوایی پامیر در این ولایت - که از ۲۰۰۰ الی ۳۰۰۰ افغانی قیمت تکت از مسافرین اخذ می کرد، مردم این ولایت، از فعالیت های این شرکت هوایی کاملاً ابراز رضایت کرده و آنرا یک عمل مفید و خدمت به جامعه عنوان کردند. اما پس از آن که شرکت هوایی پامیر فعالیت های خود را متوقف ساخت، به تعقیب آن شرکت هوایی «کام ایر» دست به کار شده و پرواز های داخلی خویش را در این ولایت آغاز کرد و این شرکت هوایی، ابتدا ۴۰۰۰ تا ۴۱۰۰ افغانی قیمت تکت، از کابل تا غور اخذ می کرد که بعد از سپری شدن مدتی آنرا به ۴۶۰۰ افغانی بالا برد و سر و صداهای زیادی از طریق شهروندان غور بلند شد و حتا توسط اداره میدان هوایی غور و مراجع مربوط این شکایت ها را به وزارت ترانسپورت و ادارات مربوطه دیگر نیز رساندند. اما این حرکات و شکایات، علاوه بر اینکه نتیجه یی نداشت، سرانجام می بینیم که از بد هم بد تر شد.

قواعد درست نویسی (در هر شماره یک نکته از این قواعد اینجا درج می شود)

سیمی کولن یا ویرگول نقطه دار SEMICOLON (؛)

این نشانه در میان جمله ها هر جایی که به کار می رود آنجا توقف نسبتاً دراز می شود، چنان که این وقفه میان وقفه کوتاه و نقطه قرار می گیرد و موارد استعمال آن قرار ذیل است:

نخست - برای جدا کردن فقره هایی که شکل یک لست را داشته باشد به کار می رود؛ مثلاً: از بد کرداران نفرت میکنم؛ راستان و نیکو سرشتان را دوست می داریم.

دوم - در مواقعی که جمله طولانی و مرکب از چند جمله کامل و مرتبط به همدیگر باشد، استعمال می شود؛ مانند: دیگر امروز، روز زبان آوری و مهمل بافی نیست؛ دکان شیادان هرزه گوی بسته شده؛ برای هر امری، دلیل قاطع و استدلال قوی لازم است.

سوم - همچنان پیش از کلمه های مانند: مثلاً، به حیث مثال، به طور نمونه، از قبیل، به گونه مثال، و امثال آن ... در جمله ها حتماً سیمی کولن به کار برده می شود.

چهارم - همچنین وقتی که مطلبی را به استناد چند مأخذ نقل می کنند برای جدا کردن هر مأخذی سیمی کولن استعمال می نمایند؛ مثال:

پرویز نائل خانلری، دستور زبان فارسی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۱ ع ص ۴۳؛ حسین یمین ع دستور معاصر زبان پارسی دری ع انتشارات میوند، چاپ دوم، ۱۳۸۲ ص ۲۵.

پنجم - سیمی کولن در فرهنگها نیز در میان معنای مختلف لغت ها که توسط شماره شرح می شود به کار می رود؛ نمونه:

آیده: ۱- پلان، پروژه، طرح؛ ۲- فکر، عقیده، مفکوره، نظر.

این بار حقوق مردان

عبدالكبير صديقي

بارها از حقوق زنان بالای مردان سخن رانی شده و جنبه های گوناگون آن زیر گفتگو و کنکاش قرار گرفت ، به گونه یی که در همه جا و همه دنیا زبازد همگان قرار گرفت. اما اینبار ، می خواهیم از جانب دیگر ، که حقوق مردان بالای زنان است ، چند نکته یی را یادداشت کنیم تا نسبت به تمرکز و توجهی که به یک جانب داریم ، از جانب دیگر به کلی بی خبر نباشیم.

همان گونه که همیشه در رسانه ها ، محافل و گردهم آیی ها ، از حقوق زنان سخن به میان است و همیشه مورد بحث قرار می گیرد و گوشزد می شود که زنان در جامعه و در خانواده و بالای مردان حقوقی زیادی دارند که باید به آنها توجه صورت گیرد ، همه درست است. اما مردان نیز بر زنان حقوقی دارند که زنان بر پاس و نگهداری آنها ناگزیر اند و در صورت بی توجهی و بی پروایی به آن حقوق ، زبان دنیا و آخرت متوجه شان می گردد.

حضرت ابو هریره (رض) می فرماید: شخصی آمد برای رسول الله (ص) گفت: کدام زن از دیگر زنان بهتر است؟ رسول الله فرمودند: اول: زنی که وقتی شوهر وی به او نگاه کند خوشحال شود (یعنی او را خوشحال کند) ، دوم: زنی که شوهرش او را به کاری امر می کند و او اطاعت می کند ، سوم: زنی که بدون اجازه شوهر ، دیگری را در ناموس خویش اختلاط نکند و چهارم: زنی که مال خویش را بدون اجازه شوهرش مصرف نکند.

از فرموده رسول جهانیان(ص) این نکته مفهوم می شود که زنانی می توانند بهتر باشند که: اخلاق نیکو داشته و شوهر از نگاه کردن به طرف وی خوشنود گردد و همچنان دستور شوهر خویش را فرمان برده و در ناموس وی کسی را شریک نسازند.

در جای دیگر رسول بزرگوار اسلام (ص) می فرمایند: زنی که پنج وقت نماز خود را ادا کند، فرمان - فرمان مشروع- شوهر خویش را اطاعت کند و در حفظ ناموس خویش کوشا باشد ، چنین زنی در روز محشر ، از هر دروازه بهشت که می خواهد وارد شود.

باز روشن می گردد که زنان باید بعد از اینکه فرمان خدای عز و جل را ادا می کنند ، سپس ناگزیر اند که فرمان شوهر خود را برداشته و در حق او - جهت حفظ ناموس - خیانت نکنند. (این ها اند که سزوار جنت می شوند)

در حدیث دیگر می فرمایند: سه گروه اند که نماز شان یک شبر - وجب- از سر شان بالا تر نمی رود: اول مردی که قومی را امامت دهد و مردم از او متنفر باشند ، دوم زنی که شب در بستر بخوابد و شوهرش از او ناراحت باشد - علاوه بر اینکه نمازش قبول نمی شود ، همان شب تا صبح فرشتگان او را لعنت می کنند- سوم دو برادری که با هم بغض و کینه و عداوت داشته باشند. پیداست که خداوند متعال وقتی از زنان راضی و خوشنود می گردد که شوهران شان از آنها رضایت داشته باشند و حتا زنانی که یک شب شوهران آنها از آنها ناراضی در بستر بخوابند ، فرشتگان خداوند آنها را تا صبح لعنت می کند.

رسول خدا (ص) گفتند: بشارت دهید که خداوند در بهشت خانه بلورین برای خدیجه آماده کرده است. و در ادامه فرمودند: این به خاطر آن است که هرگاه رسول خدا در بیرون انواع رنج و زحمت های متفاوت به ایشان می رسید ، هنگامی که وارد خانه می شدند خدیجه او را خوشحال می کردند. خداوند به این سبب آن خانه بلورین را به عنوان پاداش برایش اعطا فرمود.

در فرهنگ غنی و متون استوار اسلام ، آن قدر بر اهمیت حقوق مردان بر زنان تأکید شده که حتا رضایت خداوند را بر رضایت شوهران آنها منحصر دانسته و برای زنان گوشزد می کند تا از امر شوهران خویش سرپیچی نکنند ، آنها را تا حد ممکن خوشحال سازند، در ناموس آنها خیانت نکنند که سبب وارد شدن شان به بهشت ، این اعمال است.

روزی سردار جهانیان حضرت محمد مصطفی(ص) نشسته بودند که حضرت معاذ (رض) آمد و گفت: یا رسول الله ! من در بعضی ممالک دیدم که مردمان شاهان خود را سجده می کردند. پیامبر (ص) گفت : ای معاذ منظورت چیست بگو! حضرت معاذ گفت: دوست داریم ما صحابه هم شما را سجده کنیم. رسول الله (ص) فرمودند: ای معاذ اگر بعد از خداوند (ج) سجده جواز می داشت ، دستور می دادم که زنان شوهران خود را سجده کنند.

گفتنی است که حقوق مردان بالای زنان ، به این مقدار ها خلاصه نمی شود. چون اگر خواسته باشیم مفصلاً در زمینه گفتگو کنیم باید کتاب های ضخیمی در زمینه به نگارش بگیریم. به هر حال این مثنی بود که نمونه خروار اشاره شد و تعدادی از سرنخ ها در دسترس قرار گرفت. تا در زمینه حقوق مردان نیز نگرش و آگاهی حاصل گردد.

غورد در چنگال خشکسالی

محمد رسول اعتماد

کشور عزیز ما افغانستان کشوری است که سال ها جنگ های خانمان سوز را پشت سر گذاشته ، مردم این کشور از پیشرفت و سهولت های زندگی بی بهره بوده همه متکی به کوه های حاصل خیز این وطن بودند. طرحی را برای رشد حاصلات خود داشته اند که اکثر نیازمندی های خویش را تامین می کردند، چشم و امیدی هم به جای نداشتند و به منظور تامین ضروریات خویش تکیه گاهی خوبی به خاک و آب این وطن داشته اند.

اما طی دوازده سال حکومت جمهوری اسلامی افغانستان کمک های فراوانی سرآزید شد که تمام مردم چشم خود را در به کمک های سرآزید شده دوختند ، نه به فکر این که این کمک ها زود گذراست ، دست ما را تا آخر نخواهد گرفت و روی ساخت منابع ملی که مردم باید متکی به آن باشند، نه از طرف حکومت توجهی صورت گرفت و نه از طرف مردم. اکنون که خشکسالی با یک فشار همه سرمایه مردم را به کام خود فرو می برد، هیچ منبعی وجود ندارد تا با این پدیده مبارزه کنیم، به جز اینکه چشمی به مرزهای خارج از کشور داشته باشیم!

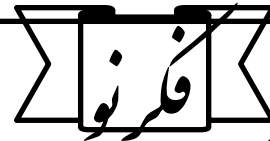
ولایت غور یکی از جمله ولایات دوردست کشور بوده که طی مدت دوازده سال از توجه حکومت مرکزی به دور قرار داشته ، یک ولایت عقب نگاهداشته افغانستان می باشد که تقریباً در مرکزیت کشور قرار گرفته و در حین حال منطقه کوهستانی است. به جز از استفاده از منابع طبیعی آن کدام عاید دیگری این مردم ندارند ، منابع طبیعی هم به اقلیم این منطقه بستگی دارد، اگر کدام سالی برف و باران به وقت و زمان آن بیارد ، مردم نفسی نسبتاً راحت می کشند نیازهای ابتدایی از قبیل: گندم ، کچالو، علوفه حیوانی و غیره، برخی نیازهای دیگر را به دست می آورند که تا حدی نگرانی های شان رفع می گردد .

سالی که برف و باران به حد کافی نباشد همین نیازهای ناچیز هم برآورده نمی شود، علاوه بر آن نرخ مواد خوراکی به طور سرسام آور به بازار بلند می رود که این وضعیت باعث آوارگی و مهاجرت مردم می شود و از سوی دیگر منابع اقتصادی که دارند، آن هم شغل مالدارانی شان است که به ارزان ترین نرخ به فروش می رسد و مردم زیر خط فقر قرار می گیرند.

در صورت نبود کشت و زراعت همه مردم بیکار می باشند و هیچ منبع کاری و درآمد برای این مردم نمی باشد که نیازمندی های خویش را تامین کنند، برخی از جوانان به خاطر تامین مخارج خانواده های شان از طریق قاچاق به کشور ایران می روند، آن هم به صدها مشکل و به قاچاقی گزاف که بعد از مدتی توسط کشور ایران رد مرز می شوند، اما به خاطر ایجاد شغل و انکشاف یک زراعت مکانیزه ، طی چند سال هم توجهی لازم صورت نگرفته است. در سال جاری کشت و زراعت مردم نتیجه نداده ، مالدارانی شغل اساس این مردم بوده که به علت نبود علف و بازار مناسب به ارزان ترین نرخ به فروش می رسد ، نرخ مواد خوراکی روز به روز بالایی رود که این وضعیت یک نگرانی جدی را در آینده های نزدیک در پی خواهد داشت.

مدیریت این بحران مسوولیت نماینده گان مردم و حکومت محلی غور است که باید یک پالیسی عامه را به خاطر رفع این نگرانی ها روی دست داشته باشند ، تا قبل از اینکه مردم مجبور به ترک خانه و کاشانه خویش شوند و به دروازه های حکومت سر و صدا راه بیاندازد ، این مشکلات قدری مهار گردد. سکتور خصوصی ، یک بخش دیگری عرضه خدمات برای مردم می باشد که از مردم منافع زیادی را به دست می آورد. به همین لحاظ ، باید روی کنترل نرخ مواد و عرضه مواد لازم خوراکی توجه مسوولانه داشته باشد.

ولایت غور از جمله ولایات سردسیر کشور ، سالها است که مواد سوخت این مردم از جنگلات و دیگر منابع طبیعی استفاده می شود و این روند جنگلات و مواد سوخت را کاملاً از تمام مناطق نابود کرده که اکنون یک فامیل که در روستا زندگی می کند یکی از اعضای توانایی خانواده باید مسوولیت تأمین مواد سوخت را به عهده داشته باشد.



صاحب امتیاز: ماهنامه فکر نو

fekrenow21@gmail.com

مدیر مسوول: محمدنصیر توکلی

tawakuli@yahoo.com/0795344913

معاون مدیر مسوول: محمدرسول اعتماد

0795353211

ویراستاران: عبدالکبیر صديقي و عبدالرزاق احمدی

برگ آرای: ضیاءالحق عرفانی

گزارشگر: میراجان راسخ

گروه نویسندگان: محمدنبی احمدی ، عبدالباقي و نور محمد نور

ماهنامه فکر نو ، منتظر مطالب علمی و فرهنگی قلم به دستان عزیز می باشد.

✓ ماهنامه فکر نو ، در ویرایش مطالب ارسالی دست باز دارد.